

غزل شماره ۱۵۷

هر که را با خطِ سبزه سر سودا باشد
پای از این دایره بیرون نهد تا باشد

من چو از خاکِ سحر لاله صفت بر خیزم
داغ سودای تو ام سر سودا باشد

تو خود ای کوهِ یک دانه کجایی آخر
کز نعمت دیده مردم همه دریا باشد

از بُنِ هر مژده ام آب روان است یا
اگر ت میل لب جوی و تماشا باشد

چون گل و می دمی از پرده برون آی و در آ
که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد

نَظِّ مَدُودِ نَحْمِ زلفِ تو ام بر سر باد
کاندر این سایه قرار دل شیدا باشد

چشمت از ناز به حافظ نکند میل آری
سرگرانی صفتِ نرگس رعنا باشد

تفسیر فال

هر کس که با خداوند متعال باشد و از مسیر نورانی او خارج نشود، همواره در دل خود آرامش و اطمینان را تجربه می‌کند و هیچ غمی نمی‌تواند به او راه پیدا کند. چنین فردی تمام لحظات زندگی‌اش را وقف خدمت به پروردگار می‌نماید و هر آنچه که دارد را در مسیر عشق به او صرف می‌کند. لذا، فرصت‌های پیش روی خود را غنیمت بشمارید، چرا که برگشتی برای شما وجود ندارد. آفرین بر تو که عقل و خرد تو بر دل تو غالب است و پیروی از دستورهای منطقی‌ات را انتخاب کرده‌ای. عمل به فرایض دینی مانند برقراری نماز و ایمان قوی نه تنها سبب نزدیکی بیشتر به خداوند می‌شود، بلکه راه زندگی را برای تو هموارتر خواهد ساخت و به تو قدرت می‌دهد تا در برابر چالش‌ها با اعتماد بنفس بیشتری قدم برداری.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)